

تحلیل و بررسی حدیث «خلفاء امتی اثناعشر» از دیدگاه زیدیان

[تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۵/۳۰]

مهدی فرمانیان*

مریم اسماعیلی**

چکیده

یکی از احادیث معروف پیامبر (ص) حدیث «خلفاء امتی اثناعشر، کلهم من قریش» است که در منابع حدیثی شیعه و سنی آمده است؛ اما در این میان، شیعیان زیدی مذهب از آن جهت که این حدیث را مخالف آموزه اصلی خود در باب امامت بنی فاطمه دیده‌اند، از نقل آن خودداری کرده و در اندک مواردی هم که این حدیث را بازگو کرده‌اند، به رد آن پرداخته و آن را حدیثی غیر مشهور دانسته‌اند. زیدیه در بسیاری از آثار حدیثی و کلامی خود که جای نقل این روایت است، عمداً از نقل این حدیث خودداری کرده و اگر در مواردی هم این حدیث را ذکر کرده‌اند، برای نقد شیعه اثناعشری است. این مقاله با بررسی حدیث «خلفاء امتی اثناعشر، کلهم من قریش» در منابع حدیثی و کلامی زیدیه، به واکاوی آن از دیدگاه زیدیه می‌پردازد و دلیل تأویل این حدیث از سوی زیدیان را مخالفت این حدیث با اصلی‌ترین مبنای فکری زیدیه در امامت یعنی قیام به شمشیر می‌داند.

کلیدواژه‌ها: زیدیه، حدیث اثناعشر، نص بر امامت.

مقدمه

بیشتر زیدیان معتقدند پیامبر به امامت سه امام اول، یعنی حضرت علی و حسنین (ع) تصریح کرده است و درباره جانشینی پس از ایشان معتقدند نصی از پیامبر وجود ندارد. آنان معتقدند هر یک از فرزندان حضرت فاطمه (س) قیام به سیف کند، امام است. در این میان حدیث معروف اثناعشر، شمار جانشینان پیامبر را «دوازده امیر» یا «دوازده خلیفه» معرفی کرده است که با باور زیدیان در تضاد است. در اینجا این پرسش پیش می‌آید که علمای زیدیه با این حدیث چه برخوردی کرده و به چه دلیل این حدیث را رد کرده‌اند. توجیه زیدیه در نپذیرش این حدیث چیست؟ به نظر می‌رسد زیدیان به دلیل باورهای خاص خود از جمله روشن نبودن تعداد ائمه، نبود تقیه در اعلام امامت و وجوب قیام به سیف در هر زمان و مکان، به عنوان ویژگی مقوم امامت، به این حدیث معتبر اعتنایی نکرده‌اند.

با بررسی بسیاری از آثار زیدیه، در بیشتر قریب به اتفاق این آثار حتی اشاره تلویحی به این حدیث نشده است. در کتاب مجموع کتب و رسائل القاسم بن ابراهیم الرسی دو رساله با عنوان «الردّ علی الرافضه» و «الردّ علی الروافض من اهل الغلو» وجود دارد که در رد شیعه اثناعشری است؛ اما حتی برای رد عقاید شیعه، اشاره‌ای به حدیث اثناعشر نشده است. همچنین با جستجو در کتاب مجموع رسائل الإمام الهادی إلى الحق و کتاب المصاییح نوشته ابوالعباس احمد بن ابراهیم و کتاب النجاه لمن اتبع الهدی تألیف ناصرالدین احمد بن یحیی و کتاب حقائق المعرفه فی علم الکلام تألیف احمد بن سلیمان، حتی ضمنی به این حدیث اشاره‌ای نشده است.

با بررسی آثار زیدیه در این زمینه، رویکرد نویسندگان این فرقه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. آثاری که در آنها به حدیث مشهور اثناعشر اشاره شده است؛ اما با توجیه «عدم شهرت حدیث» به نقد سندی و محتوایی حدیث پرداخته‌اند که

این آثار در میان آثار زیدیه بسیار کم است؛ ۲. آثاری که در آنها کلمه «اثناعشر» برای تعریف امامیه یا اعتقاد آنان و نقد اثناعشریه به کار رفته است و فقط اشاره تلویحی به حدیث اثناعشر یا مشابه آن داشته‌اند و از ذکر متن حدیث خودداری کرده‌اند؛ ۳. آثاری که با توجه به موضوعشان باید به حدیث می‌پرداختند، اما اشاره‌ای به آن نکرده‌اند که بیشتر قریب به اتفاق آثار زیدیه در این طیف قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد زیدیه عمداً با ذکر نکردن متن حدیث اثناعشر از درگیر کردن خود با این موضوع، خودداری کرده‌اند. در ادامه به نقد و بررسی رویکردهای گوناگون زیدیه در این زمینه می‌پردازیم.

ذکر حدیث با ادعای جعل حدیث به دست منصور عباسی

یکی از معدود بزرگان زیدیه که به حدیث اثناعشر تصریح کرده است، احمد بن محمد بن صلاح شرفی (م ۱۰۵۵) صاحب کتاب *عدة الأکیاس فی شرح معانی الأساس*^۱ است. وی در نقد دیدگاه امامیه می‌نویسد: «امامیه می‌گویند طریق امامت نص است. آنها قائل‌اند: نص دو نوع است: اجمالی و تفصیلی. نص اجمالی به عقیده آنها این قول پیامبر است که فرمود: "ائمہ پس از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل‌اند" و نص تفصیلی، روایتی است که به عقیده خودشان از پیامبر نقل می‌کنند که به ائمه تصریح کرده است که از این قرار است: علی بن ابی طالب، حسن و حسین، علی بن حسین، محمد بن علی باقر، جعفر صادق، موسی بن جعفر، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی عسکری و منتظر که به عقیده آنها محمد بن حسن است. وقتی حسن عسکری در سال ۲۶۰ ق در سامرا از دنیا رفت و فرزندی به جای نگذاشت، در کار خود دچار اختلاف شدند» (شرفی، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۹۲؛ نیز ر.ک: همان: ۱/ ۲۱۴).

۱. این اثر خلاصه کتاب دیگر نویسنده با نام *شفاء صدور الناس بشرح معانی الأساس* است که در دو جزء تدوین شده است و با خاتمه‌ای با عنوان *فرقه ناجیه* تمام می‌شود.

وی در ادامه با استناد به سخنان فردی به نام شمس الدین عبدالصمد بن عبدالله دامغانی^۱ مدعی می‌شود حدیث «ائمہ بعد از من به عدد نقبای بنی اسرائیل دوازده نفرند» را منصور عباسی جعل کرده و شیعیان سخن امام صادق (ع) در رد این حدیث را نپذیرفته‌اند و حرف منصور عباسی را بر سخن امام صادق مقدم داشته‌اند و این چنین اثناعشریه به وجود آمد. وی در این زمینه می‌نویسد:

دامغانی در شأن امامیه می‌گوید: کتب اهل مقالات اتفاق دارند که امامیه مذهبشان را از امامان و ثقات نگرفته‌اند، بلکه منصور دوانیقی پس از قتل محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم و عده‌ای از فاضلان علویه، گمان می‌کرد ممکن است قائمی از آنها علیه او قیام کند تا خلافت را از او بگیرد؛ پس در پی چاره‌ای برای حفظ خلافت خویش بود که گروهی از شیعه را دید که قیام امام را انکار کرده و اعتقاد دارند امام به نص است نه قیام و اکنون آن امام غایب است که این گروه کیسانیه بودند. پس راه چاره را یافت و به جاهای مختلفی که می‌پنداشت جاهلان شیعه در آنجا هستند، کسانی را فرستاد که این شبهه را در بین آنها رواج دهند. دستور داد که این مذهب بین آنها رواج داده شود و نسخه‌ای هم برای آنها جعل کرد و به همراه بعضی پیروان خود فرستاد و به آنها دستور داد که تظاهر به شیعه بودن کنند و آن را به جاهلان شیعه القا کنند. مضمون نسخه چنین بود: «بنی اسرائیل دوازده نماینده داشتند و پس از عیسی نیز دوازده نفر در امتش بودند. جبرئیل لوحی آورد که در آن نام خلفای امت بود و اینکه آنها پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله دوازده نفر هستند. پنج نفر از آنها تا جعفر صادق گذشته‌اند و این جعفر ششمین آنها است - زیرا مردم می‌دانستند که جعفر انسان زهدپیشه‌ای است - و شش نفر باقیمانده از نسل او هستند. بنابراین جاهلان شیعه به این مذهب اعتقاد پیدا کردند. وقتی این خبر به گوش

۱. دامغانی در ابتدا دوازده امامی بود و سپس تغییر مذهب داد. اطلاعات چندانی از ایشان وجود ندارد؛ اما کتاب وی چاپ شده است.

جعفر صادق رسید آن را انکار کرد؛ ولی آنها زیر بار نرفتند و گفتند: جعفر به خاطر تقیه این مطلب را انکار می‌کند و راه خود را ادامه دادند و پس از آن هرکس ادعای خلافت کرد، دشمن دشمنان او شد و مردم تلاش می‌کردند او را از بین ببرند و خوار کنند چون اعتقاد داشتند که نص بر امامت به غیر او وارد شده است و با این مسئله، خواسته منصور حاصل شد» (شرفی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۹۷-۱۹۶).

در باب پیدایش شیعه اثناعشری دیدگاه‌های مختلفی در منابع ملل و نحل آمده است؛ اما هیچ‌یک به ادعایی که شرفی در کتاب *عدة الاکیاس* بیان کرده است، اشاره‌ای نکرده‌اند، بلکه شیعه معتقد است پیامبر بر یاران حضرت امیر (ع) نام شیعه را نهاد و با بیان احادیثی همچون غدیر، منزلت و ده‌ها حدیث دیگر، امامت حضرت علی (ع) را بیان کرد و با حدیث «خلفاء امتی اثناعشر» به دوازده امام بعد از خود تصریح کرد که فقط بر شیعه اثناعشری منطبق است؛ اما از آنجایی که این حدیث با مبنای زیدیه در امامت سازگار نیست، شرفی در کتاب *عدة الاکیاس* به توجیه این حدیث پرداخته و مدعی شده حدیث اثناعشر را منصور عباسی جعل کرد و حال آنکه این حدیث در بسیاری از منابع معتبر حدیثی شیعه و سنی آمده است. این ادعا فقط در این کتاب آمده و دیگر زیدیان و مخالفان امامیه از جمله اهل سنت، از این مطلب یادی نکرده‌اند.

بخاری (م ۲۵۶ق) و مسلم (م ۲۶۱ق) در صحیح خود از طریق «جابر بن سمره» صحابی رسول خدا (ص) از آن حضرت نقل کرده‌اند که فرمود: «یکون اثناعشر امیراً ... کلهم من قریش» (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۲۶۱، ح ۷۱۳۹؛ مسلم، ۱۳۷۵: ۳ / ۱۴۵۲). همچنین بزرگانی مثل احمد بن حنبل، ابن کثیر و دیگران این روایت را در آثار خود نقل کرده‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۵۳؛ احمد بن حنبل، بی تا: ۵ / ۸۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۶ / ۵۲۰؛ طبرانی، ۱۹۸۴: ۲ / ۱۹۵-۱۹۷). بخاری به غیر از نقل این روایت در صحیح خود در کتاب *التاریخ الکبیر* نیز این حدیث را نقل کرده است که پیامبر فرمود:

«پس از من دوازده امیر خواهد آمد ... همه از قریش اند» (بخاری، بی تا: ۳ / ۱۸۵). ترمذی نیز حدیث جابر بن سمره را در سنن خود به چند طریق نقل کرده و پس از نقل حدیث می گوید: «حدیث حسن و صحیح است» (ترمذی، بی تا: ۴ / ۵۰۱، ب ۴۶ و همان: ح ۲۲۲۳). در یکی از نقل های مسلم به نقل از جابر بن سمره (مسلم، ۱۳۷۵: کتاب اماره، ب ۱، ح ۱۰. ابن حجر عسقلانی، بی تا: ۵۳۸) و احمد بن حنبل (۵ / ۸۷) و ابی داوود سجستانی (۱ / ۷۱۲) حدیث یادشده با عبارت «اثنا عشر خلیفة» ذکر شده است.

علمای دیگری از اهل سنت نیز حدیث بالا را با سند صحیح در آثار خود آورده اند. از جمله «حاکم نیشابوری»، «سیوطی»، «خطیب بغدادی»، «بیهقی»، «طبرانی»، «ابن حجر عسقلانی»، «ابونعیم اصفهانی» این حدیث را نقل و به صحت آن اذعان کرده اند (حاکم، ۱۴۰۶: ۳ / ۶۱۸ سیوطی، بی تا: ۹؛ خطیب بغدادی، بی تا: ۱۴ / ۳۵۳؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۶ / ۵۲۰؛ طبرانی، ۱۹۸۴: ۲ / ۱۹۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴: ۱۵ / ۸۸۷۰-۸۸۷۷)؛ بنابراین ادعای جعل حدیث اثنا عشر به دست منصور عباسی یک ادعای بدون دلیل است. حتی عبدالله بن حمزه (۶۱۴م) یکی از مهم ترین امامان زیدیه در کتاب المجموع المنصوری به این روایت مجعول اشاره کرده و آن را رد کرده است.

پذیرش حدیث و تعیین مصداق دوازده امام بر اساس تفکر زیدیه

علی بن عبدالله بن قاسم شهبازی صنعانی (م ۱۱۹۰)، در کتاب بلوغ الأرب و کنوز الذهب فی معرفة المذهب، به حدیث «اثنا عشر نقیباً» تصریح، اما آن را بر اساس تفکر زیدیه تفسیر می کند. شهبازی در این باره می نویسد: «می توان برگزیدگان اهل بیت بعد از حسین بن علی را برشمرد. پس از قتل حسین، سه نفر می مانند و چهارمی ندارند که عبارت اند از زید بن حسن و حسن بن حسن و زین العابدین. بعد از این سه نفر، دوازده پسر به اندازه پسران یعقوب هستند. از نسل این دوازده

پسر، دوازده سبط پیامبر حاصل آمدند که به اندازه فرزندان بنی اسرائیل هستند». وی در ادامه برای تأیید سخن خود حدیثی از شیخ صدوق در این زمینه نقل می‌کند تا بتواند دیدگاه خود را اثبات کند. او می‌نویسد:

ابوجعفر ابن بابویه قمی روایت کرده عبدالله بن عبدالله بن حسن حسنی گفت: از ابوالحسن علی بن موسی الرضا در مورد چیزهایی که درباره بنی‌الافطس گفته می‌شد، سؤال کردم فرمود: خداوند از نسل یعقوب دوازده سبط آورد و از نسل حسن و حسین نیز دوازده سبط آورد، از حسن شش نسل منتشر شد. حسن بن علی این شش نسل را باقی گذاشت که نسلشان هرگز قطع نمی‌شود. سپس فرزندان حسین بن علی را شمرد. پس از این شش نسل از فرزندان حسین هستند و شش نسل هم که ذکرشان گذشت از نسل حسن بودند که نسلشان تا زمانی که تکلیف قطع نشده، قطع نمی‌شود. آنها به منزله اسباط بنی اسرائیل هستند و حجت خدا بر خلق او و مایه امنیت اهل زمین از عذاب هستند. وقتی این را فهمیدی این را هم بدان که همه این دوازده نفر اصول دین را از پدرانشان و پدرانشان هم از پدرانشان و آنها از امیرالمؤمنین و او از پیامبر و پیامبر از جبرئیل و جبرئیل از خدا گرفت و آن اصول، سه اصل اند که عقاید دینشان بر پایه آنها بنا شده است که آنها را به نسل خود رسانده‌اند. اهل هر دوره‌ای از ائمه دوازده‌گانه بر صحت این سه اصل اجماع کرده‌اند» (شهاری صنعانی، ۱۴۲۳: ۲۴۶-۲۶۰).

این عبارات نشان می‌دهد نویسنده کتاب حدیث اسباط دوازده‌گانه را قبول کرده است؛ اما آن را بر اساس تفکر خودشان که هر فاطمی قیام‌کننده از نسل حسن یا حسین، امام است، تفسیر کرده است و به همین علت، شش نسل را از امام حسن و شش نسل را از امام حسین (ع) درست کرده است تا با مبنای زیدیه در باب امامت هماهنگ گردد. آنچه از این متن به دست می‌آید این است که نویسنده، حدیث اثناعشر را که می‌گوید تعداد امامان مطابق با نقبای بنی اسرائیل است قبول دارد و حتی راوی حدیث را شیعه‌ای اثناعشری معرفی می‌کند؛ اما در تفسیر حدیث،

افرادی را معرفی می‌کند و تطبیق می‌دهد که بتواند دیدگاه خود را ثابت کند؛ یعنی از دوازده شخص به دوازده طبقه تفسیر می‌کند تا هر فاطمی قیام‌کننده را شامل شود.

اشاره به حدیث با ادعای عدم شهرت

امام منصور بالله عبدالله بن حمزه از مشهورترین امامان زیدیه که در سال ۵۹۳ قمری ادعای امامت کرد، معتقد است حدیث اثناعشر، روایت مشهوری نیست. وی درباره نص سه امام نخست روایات فراوانی می‌آورد و درباره بقیه ائمه، قائل به دعوت و قیام است. وی دلیل امامت بعد از حسنین را قیام به سیف معرفی می‌کند و در نقد امامیه می‌نویسد: «امامیه می‌گوید: راه امامت، نص آشکار در مورد ائمه سه‌گانه است و بعضی از آنها ادعا می‌کنند که چنین نصی در مورد همه ائمه اثناعشر از اولاد حسین نیز وجود دارد. بعضی از آنها نیز راه دیگری برمی‌گزینند؛ اما آنچه نظر همه آنها را باطل می‌کند، این است که اصلاً نص آشکار وارد نشده است» (منصور بالله، ۱۴۲۲: ۱/۳۳۸). وی در ادامه و در بیان راه‌های امامت، راه‌های نص و عقد و اختیار را راه‌های انتخاب امام برشمرده و معتقد است نص از خدا و رسول راه مشترک امامیه و زیدیه است و دوراه دیگر عقیده معتزله است. وی در تبیین دیدگاه خود می‌گوید: «دلیل بطلان نظر امامیه این است که نص جلی درباره سه امام نخستین وجود دارد؛ ولی در مورد اولاد امام حسین (ع) چنین نصی وارد نشده است». وی برای بطلان دلیل «امامیه» یا «اصحاب نص» می‌گوید: «اگر ادعای آنان صحیح بود، باید برای امت آشکار باشد؛ پس ادعای امامیه باطل است و اگر ادعای آنان را بپذیریم، دیگر ارکان دین، استواری خود را از دست می‌دهد» (همان: ۱/۳۴۳). حسین بن بدرالدین (م ۶۶۳ق) یکی دیگر از بزرگان زیدیه بدون بیان اصل حدیث اثناعشر به نکته‌ای اشاره می‌کند که نشان می‌دهد نویسنده از حدیث اثناعشر اطلاع دارد؛ ولی به سبب برخی مسائل از بیان حدیث خودداری می‌کند

و فقط به رد آن می‌پردازد. عبارت حسین بن بدرالدین چنین است: «اگر (امامیه) ادعایی که درباره وارد شدن نص دارند، درست بود، باید آن نص ظاهر و مشهور می‌بود؛ در حالی که این‌گونه نیست». مصحح زیدی مذهب کتاب در تبیین این دیدگاه به حدیث اثناعشر اشاره می‌کند؛ اما مثل نویسنده کتاب به رد آن می‌پردازد و می‌نویسد: «یشیر (المولف) إلی قول الإمامیة بأن الأئمة اثناعشر نصّ النبی صلی الله علیه و آله و سلّم علیهم بأسمائهم و أوصافهم و تفاصيل حیاتهم بدقه، فالمؤلف یقول: إن کلامهم لو کان صحیحاً لما أستاذر بعلمه الإمامیة دون سواهم إذ لا سبب یسوغ ذلك: این سخن صاحب کتاب به قول امامیه اشاره دارد که می‌گویند ائمه دوازده‌گانه، نص پیامبر است که به اسامی و اوصاف و جزئیات زندگی آنها به دقت تصریح کرده است. به همین علت مؤلف کتاب می‌گوید: اگر سخن آنها درست باشد، چرا دیگران به غیر از امامیه به این علم دسترسی پیدا نکردند و حال آنکه دلیلی در این ترجیح وجود ندارد» (حسین بن بدرالدین، ۱۴۲۲: ۴۳۰). در پاسخ به حسین بن بدرالدین می‌توان گفت حدیثی که به اسم و اوصاف آنان اشاره کرده است، بیشتر در کتاب‌های شیعه امامیه اثناعشری یافت می‌شود؛ اما حدیث «خلفاء امتی اثناعشر» از روایات بسیار مشهور نزد اهل سنت است و در بسیاری از آثار حدیثی اهل سنت و در صحاح شش‌گانه آنان آمده است که قبلاً به برخی از این آثار اشاره شد؛ بنابراین دیدگاه وی که می‌گوید حدیث اثناعشر مشهور نیست، صحیح نمی‌باشد. نویسنده اگر به آثار اهل سنت مراجعه می‌کرد، حتماً از این حدیث اطلاع می‌یافت و متوجه می‌شد که این حدیث از احادیث مشهور میان شیعه و سنی است.

نویسنده کتاب *عدة الاکیاس* از دیگر بزرگان زیدیه نیز در رد حدیث اثناعشر به شهرت نداشتن حدیث اشاره کرده و با آوردن عبارت «وَأَمَّا دَعْوَى الْإِمَامِيَّةِ بِاِخْتِصَاصِهَا لِمَعِينِينَ مِنْ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَهِيَ بَاطِلَةٌ لِأَصْلِ لَهَا» به رد عقیده امامیه پرداخته است. او در ادامه می‌نویسد:

نصی بر شخص معینی غیر از سه نفر که علی و حسن و حسین (ع) هستند، وجود ندارد وگرنه مشهور بود. اگر قائل باشیم که برای غیر از این سه نفر نصی وارد شده است، لازم بود که این نص مورد ادعا همانند سه نص قبلی مشهور باشد و همه مردم آن را بشناسند؛ زیرا چیزی که از نظر علمی و عملی مبتلا به همه است، همانگونه که بارها گفته شد، باید مشهور باشد؛ زیرا بر وجوب مشهور بودن چنین اموری مانند نماز و روزه و حج و دیگر اصول شریعت، اجماع وجود دارد و امامت یکی از بزرگترین مسائل اصول است (شرفی، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۹۱-۱۹۳).

شرفی در جای دیگر به صورت مبهم به حدیث اثناعشر اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ائمه زیدیه و طرفدارانشان می‌گویند: این نص در مورد علی و حسنین است و در مورد باقی ائمه، نص اجمالی است و اجماع عترت و طرفدارانشان این نص اجمالی را تفسیر می‌کنند و همچنین اجماعشان بر این است که کسی که مردم را به یاری خویش و جهاد با او دعوت کند و تمام شروط امامت را داشته باشد، امام است و اطاعتش واجب است». وی در ادامه فقط بیان می‌کند که امامیه به نص جلی بر اثناعشر اعتقاد دارند (شرفی، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۳۶-۱۳۷).

فقط این نویسندگان بودند که با اشاره ضمنی به حدیث اثناعشر بر این نکته تأکید داشتند که حدیث اثناعشر حدیث مشهوری نیست و اگر زیدیه به نص بعد از امامت حسنین (ع) اعتقادی ندارد به سبب شهرت نداشتن نص در این زمینه است و حال آنکه بیان کردیم حدیث «خلفاء امتی اثناعشر» از احادیث مشهوری است که در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی آمده است و به همین علت دلیل زیدیه برای ذکر نکردن آن، بیشتر جنبه اعتقادی و سیاسی داشته است.

شاید مهم‌ترین دلیل سکوت زیدیه در این زمینه، به اعتقاد آنان به قیام با شمشیر برمی‌گردد که هر امامی که از نسل امام حسن یا امام حسین (ع) باشد و قیام کند، امام است، وگرنه نبود شهرتی که زیدیه بر آن اصرار دارند، صحیح نیست. می‌توان

استفاده گزینشی زیدیه در نوع برخورد با کتاب‌های اهل سنت در اثبات عقاید خود و استفاده نکردن از حدیث اثناعشر را دید. در کتاب‌های زیدیه برای اثبات ولایت امام علی (ع) و نیز واقعه غدیر به صورت وسیع به کتاب‌های اهل سنت تمسک جسته شده است (ر.ک: مؤیدی، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۴۹-۱۶۳)؛ اما درباره حدیث اثناعشر ادعا می‌کنند شهرت ندارد؛ در حالی که این حدیث در همان کتاب‌هایی آمده است که از آنها استفاده کرده‌اند.

تقطیع حدیث و استفاده تأویلی از آن

روایتی از پیامبر (ص) وجود دارد که به جانشینان پس از پیامبر اشاره می‌کند و زیدیه و امامیه هر دو بخشی از آن را قبول دارند. در این حدیث به امام بودن امام حسن و امام حسین (ع) پس از حضرت علی (ع) تصریح شده است. مضمون روایت چنین است: «الحسن و الحسین إمامان قاما أو قعدا و أبوهما خیر منهما» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۰۳؛ منصور بالله، ۱۴۲۲: ۱/ ۳۴۱)؛ اما ادامه این حدیث در کتاب‌های شیعه و زیدیه به گونه‌های مختلف بیان شده است.

ادامه حدیث در کتاب‌های شیعه چنین آمده است: «و الائمة بعد الحسين تسعة من صلبه» (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۱۶۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۹۱) و «یخرج من صلب الحسين تسعة من الائمة» (ابن طاووس، ۱۴۲۰: ۵۲۳؛ بحرانی، بی‌تا: ۲۰۶). گاهی در انتهای حدیث به تعداد نقبای بنی اسرائیل هم اشاره شده است (عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۸، ۱۲۲-۱۳۰، ۱۴۳ و ۱۵۳؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۱۷).

۱. نویسنده از افرادی چون «ذهبی»، «سیوطی»، «غزالی»، «ابن حجر هیتمی»، «ابن حجر عسقلانی»، «ترمذی» و «احمد بن حنبل» روایت نقل می‌کند. همچنین حدیث منزلت را از «ابن ابی شیبیه»، «مسند احمد به ده سند»، «مسلم بالای هفت طریق»، «بخاری» و «مسلم» در صحیحشان، «ابوداوود»، «نسائی»، «ترمذی»، «ابن ماجه»، «حاکم صاحب مستدرک»، «طبرانی»، «خطیب»، «عقیلی»، «شیرازی» و «ابن النجار» نقل می‌کند (ر.ک: ابراهیم بن محمد مؤیدی، الإصباح علی المصباح فی معرفة الملک الفتاح، قاهره: انتشارات دارالافتاح العربیة، ۱/ ۱۴۲۱).

گفتنی است در مصادر زیدیه به ادامه حدیث اشاره‌ای نشده است. امام المنصور بالله از پیامبر نقل می‌کند: «الحسن و الحسين إمامان قاما أو قعدا و أبوهما خیر منهما». او امامت سه امام اول را با نص، ثابت شده می‌داند؛ اما از ادامه حدیث یادی نمی‌کند (منصور بالله، ۱۴۲۲: ۱/۳۴۱). بسیاری از امامان و علمای زیدیه در آثار خود برای منصوص بودن ائمه سه‌گانه نخست، به این حدیث استناد کرده‌اند؛ اما اشاره‌ای به ادامه حدیث نکرده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به این موارد اشاره کرد: مجموع کتب و رسائل الامام قاسم بن ابراهیم الرسی (رسی، ۱۴۲۲: ۲/۱۸۶-۱۹۲)، مجموع کتب و رسائل محمد بن قاسم (محمد بن قاسم، ۱۴۲۳: ۱۱۲)، مجموع رسائل الإمام الهادی (یحیی بن حسین، ۱۴۲۱: ۱۹۵)، الإصباح علی المصباح فی معرفة الملک الفتاح (مؤیدی، ۱۴۲۲: ۱۶۹ و ۱۷۲)، عدة الأکیاس فی شرح معانی الأساس (شرفی، ۱۴۱۵: ۲/۱۸۴)، مجموع رسائل منصور بالله (منصور بالله، ۱۴۲۲: ۱/۳۴۱)، العقد الثمین فی معرفة رب العالمین (حسین بن بدرالدین، ۱۴۱۵: ۵۱)، شرح الرسالة الناصحة بالادلة الواضحة (ابن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲۶۱-۲۶۲)، الاصول الثمانیه (محمد بن قاسم، ۱۴۲۱: ۶۷)¹.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکرشده به این نکته می‌توان رسید که بیشتر بزرگان زیدیه حدیث «خلفا امتی اثنا عشر» را در منابع خود نه به تصریح و نه به اشاره بیان نکرده‌اند و به سبب پذیرش مبانی خاص خود در امامت فرزندان فاطمه، با بی‌اعتنایی از کنار این حدیث گذشته‌اند؛ اما برخی از علمای زیدیه با ذکر این حدیث در منابع خود، به توجیه و تأویل این حدیث روی آورده و با این توجیه که حدیث شهرت

۱. جالب است بدانیم مصحح کتاب الاصول الثمانیه محمد بن قاسم بن ابراهیم رسی (م ۲۸۴ق) در پاورقی کتاب، حدیث «الحسن و الحسين امامان قاما او قعدا» را به کتاب خزار قمی آدرس می‌دهد؛ اما با اینکه در کتاب خزار قمی حدیث به صورت کامل آمده است، حدیث را به صورت ناقص می‌آورد و به امامان پس از امام حسین اشاره نمی‌کند (محمد بن قاسم، ۱۴۲۲: ۶۷).

ندارد، به رد آن پرداخته‌اند. برخی دیگر با ادعای جعل حدیث به دست منصور عباسی به نقد حدیث پرداخته‌اند که نشان می‌دهد زیدیه به عمد این حدیث را ذکر نکرده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت زیدیه از این حدیث اطلاع کامل داشته‌اند و بزرگان زیدیه با این حدیث آشنا بوده‌اند؛ اما چون با عقاید آنان در تضاد است، از ذکر حدیث مشهور «خلفاء امتی اثناعشر» خودداری کرده‌اند و احادیث مشابه را هم به ادعای شهرت نداشتن یا جعلی بودن رد کرده‌اند.

منابع

ابوالعباس احمد بن ابراهیم (۱۴۲۳ق)، المصابیح، تحقیق: عبدالله حوثی، ۲، صنعاء: انتشارات مؤسسة الإمام زید بن علی.

ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، مسند احمد، بیروت: دار صادر.

ابن اسماعیل، حمیدالدین عبدالله بن محمد (۱۴۲۰ق)، الزیدیه، ۱، عمان: مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافية.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی‌تا)، تعجیل المنفعة بزوائد رجال ائمة الاربعة، بیروت: دارالکتاب العربی.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۴ق)، فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت: المكتبة العصرية.

ابن سلیمان، عبدالله بن حمزه (۱۴۲۳ق)، شرح الرسالة الناصحة بالادلة الواضحة، تحقیق: ابراهیم یحیی الدرسی الحمزی، هادی بن حسن بن هادی الحمزی، ۱، صعده: مرکز اهل بیت للدراسات الاسلامیة.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق)، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، محقق: محمد حسین، حرزالدين عبدالرزاق، قم: انتشارات دلیل ما.

ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر (١٤٠٧ق)، البدايه و النهايه، بيروت: دارالفكر.

ابن مرتضى، احمد بن يحيى (١٣٦٦ق)، مقدمه كتاب البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الاعصار، ج١، صنعا: دارالحكمة اليمانية.

ابوعبدالله حميدان بن يحيى قاسمى (١٤٢٤ق)، مجموع السيد حميدان، تحقيق: احمد حمزى، هادى حمزى، تقديم: مجدالدين مويدى، ج١، صعده: مركز أهل البيت للدراسات الإسلامية.

احمد ناصر لدين الله (١٤٠٥ق)، النجاة لمن اتبع الهدى واجتنب الردى، ويسبادن: دار النشر فرانز.

اربلى، على بن عيسى (١٣٨١ق)، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، محقق: رسولى محلاتى، سيد هاشم، ج١، تبريز: انتشارات بنى هاشمى.

سجستانى، ابى داوود سليمان بن اشعث (١٤٢١ق)، كتاب السنن (سنن ابى داوود)، ج١، بيروت: دار احياء التراث العربى.

اشعري، على بن اسماعيل (١٤٢٤ق)، مقالات الاسلاميين، ج١، بيروت: المكتبة العصريه.

اصفهانى، ابونعيم احمد بن عبدالله (١٤٠٧ق)، حلية الاولياء وطبقات الاصفياء، ج٥، بيروت: دارالكتاب العربى.

بحرانى اصفهانى، عبدالله بن نورالله (١٣٨٢ش)، عوالم العلوم والمعارف والاحوال، قم: مؤسسه الامام المهدي.

بحرانى، سيد هاشم بن سليمان (بى تا)، الانصاف فى النص على الائمة اثنى عشر، ترجمه رسولى محلاتى، [بى جا]: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.

بحرانى، سيد هاشم بن سليمان (١٤١٣ق)، مدينة معاجز الائمة الاثنى عشر، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.

بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل (بى تا)، تاريخ كبير، دياربكر: مكتبة الاسلاميه.

تحليل و بررسی حدیث «خلفاء امتی اثنا عشر» از دیدگاه زیدیان ۱۶۹

بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق: عبدالمعطی قلعجی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ترمذی، ابی عیسیٰ محمد بن عیسیٰ (بی تا)، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، مستدرک الحاکم، تحقیق یوسف المرعشلی، بیروت: دارالمعرفة.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: انتشارات اعلمی.

حسین بن بدرالدین (۱۴۱۵ق)، العقد الثمین فی معرفة رب العالمین، تحقیق: محمد یحییٰ سالم عزان، ج ۲، صعده: مکتب التراث الإسلامی.

حسین بن بدرالدین (۱۴۲۲ق)، ینایع النصیحة فی العقائد الصحیحة، تحقیق: دکتر مرتضیٰ محطوری، ج ۲، صنعا: مکتبة البدر.

خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، محقق: عبدالطیف حسینی کوهکمری، قم: انتشارات بیدار.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (بی تا)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العربی.

رسی، قاسم بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، مجموع کتب و رسائل الامام قاسم بن ابراهیم الرسی، تحقیق: عبد الکریم احمد جدبان، ج ۱، صنعا: دارالحکمة الیمانیة.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا)، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، [بی جا]: منشورات شریف رضی.

شرفی، احمد بن محمد بن صلاح (۱۴۱۱ق)، شرح الأساس الکبیر، تحقیق: احمد عارف، صنعا: دارالحکمة الیمانیة.

شرفی، احمد بن محمد بن صلاح (۱۴۱۵ق)، عدة الأکیاس فی شرح معانی الأساس، چ ۱، صنعا: دارالحکمة الیمانیة .

شهارى صنعانى، على بن عبدالله بن قاسم (۱۴۲۳ق)، بلوغ الأرب وكنوز الذهب فی معرفة المذهب، چ ۱، [بی جا]: انتشارات مؤسسة الإمام زید بن علی .

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، ملل و نحل، بیروت: انتشارات دارالفکر.

صدر حاج سیدجوادى، احمد (۱۳۸۳ش)، دایره المعارف تشیع، چ ۲، تهران: نشر شهید سعید محبی .

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳ش)، شرح أصول کافی، مصحح: محمد خواجوی، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، چ ۶، تهران: انتشارات کتابچی .

طبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد (۱۹۸۴م)، المعجم الكبير، چ ۲، موصل: مطبعة الزهراء .

طوسی، ابی جعفر (۱۳۹۴ق)، تلخیص الشافی، تعلیق: سیدحسین بحرالعلوم، چ ۳، قم: دارلکتب الاسلامیه .

عاملی نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق)، الصراط المستقیم الی مستحقى التقدیم، محقق: رمضان میخائیل، نجف: المكتبة الحیدریة .

فرمانیان، مهدی و سیدعلی موسوی نژاد (۱۳۸۶ش)، زیدیه، تاریخ و عقاید، چ ۱، قم: نشر ادیان .

قاسم بن محمد بن علی (۱۴۲۱ق)، الأساس لعقائد الأکیاس، تعلیقه: محمد قاسم عبد الله، چ ۳، صعده: مكتبة التراث الإسلامی .

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، علی اکبر غفاری و آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه .

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۰ق)، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء .

تحليل و بررسی حدیث «خلفاء امتی اثنا عشر» از دیدگاه زیدیان ۱۷۱

محمد بن قاسم بن ابراهیم (۱۴۲۳ق)، مجموع کتب و رسائل محمد بن قاسم، تحقیق: عبدالکریم احمد جدبان، چ ۱، صعده: مکتبه التراث الاسلامی.

محمد بن قاسم بن ابراهیم (۱۴۲۱ق)، الاصول الثمانية، تحقیق: عبدالله بن حمود العزی، چ ۱، عمان: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه.

محمد بن حسن بن قاسم (۱۴۱۷ق)، سبیل الرشاد الی معرفة رب العباد، تحقیق: محمد یحیی سالن عزان، چ ۳، صعده: دارالتراث الیمنی.

مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۱۳۷۵ق)، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الفصول المختارة، محقق: علی میرشریفی، چ ۱، قم: انتشارات کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲ش)، اوایل المقالات فی المذاهب و المختارات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منصور بالله (۱۴۲۲ق)، مجموع رسائل الإمام المنصور بالله، چ ۱، صنعا: مؤسسه الإمام زید بن علی.

مؤیدی، ابراهیم بن محمد بن احمد (۱۴۲۲ق)، الإصباح علی المصباح فی معرفة الملك الفتح، تحقیق: عبدالرحمن شایم، چ ۱، ناشر: مؤسسه الإمام زید بن علی، صنعا.

ناجی، حسن (۱۹۸۶م)، الزیدیه لصاحب بن عباد، بیروت: الدار العربیه للموسوعات.

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد (۱۳۸۶ش)، فرقه های اسلامی و مسئله امامت، ترجمه علیرضا ایمانی، چ ۱، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

نوبختى، ابومحمد حسن بن موسى (٢٠٠٧م)، فرق الشيعه، تحقيق: ك.ه.ريتير، [بى جا]: انتشارات بدايات.

هادى بن ابراهيم (١٤٢٣ق)، هداية الراغبين الى مذهب العترة الطاهرين، تحقيق: عبدالرقيب بن مطهر، ج٢، صعه: مركز اهل البيت للدراسات الإسلامية.

يحيى بن حسين بن قاسم بن ابراهيم (١٤٢١ق)، مجموع رسائل الإمام الهادى إلى الحق القوى، صنعاً: مؤسسة الإمام زيد بن على.